

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۸۹/۱۱/۱۰

موضوع: بدعت‌های عثمان (اضافه کردن اذان دیگر بر نماز جمعه)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقرية الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله بحث ما در رابطه با قضیه‌ای بدعت‌های بود که خلیفه سوم انجام داد از جمله آن‌ها اضافه کردن اذان دیگری بر نماز جمعه بود، در صحیح بخاری در جلد اول صفحه ۲۱۹ حدیث ۹۱۲ دارد که زمان پیغمبر صلی الله علیه و اله وسلم، زمان ابوبکر و زمان عمر يك اذان و يك اقامه در نماز جمعه بود.

عثمان اذان دیگری به آن افزود دو اذان و يك اقامه شد، بعد عباراتی را از لجنه‌ای عالی افتاء عربستان سعودی خواندیم که این‌ها گفته‌اند بدعت نیست چون پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله وسلم فرموده است:

«عليكم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدين من بعدي»

فتاوی اللجنة الدائمة، ج ۸، ص ۲۴۳

هر آن‌چه را که خلفای راشدین اضافه کنند عین شریعت است بدعت نیست

از ابن ابی شیبه هم نقل شد که عبدالله عمر صراحت دارد بر این‌که این بدعت است بعد جناب مبارک فوری صاحب کتاب تحفه احوذی در شرح صحیح ترمذی تعبیرش این است:

«قال بعض الحنفية الأذان الثالث الذي هو الأول وجودا»

اذان سومی که از نظر ترتیب اذان اول در نماز جمعه است.

تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی، ج ۳، ص ۴۰، اسم المؤلف: محمد عبد الرحمن بن عبد الرحيم
المبارکفوري أبو العلا الوفاة: ۱۳۵۳، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت

«إذا كانت مشروعیته باجتهاد عثمان وموافقة سائر الصحابة له بالسکوت وعدم الإنکار صار أمرا مسنوناً»

عثمان این را اضافه کرده صحابه هم اعتراض نکرده اند یک اجماع سکوتی حاصل شده و این اجماع سکوتی باعث یک امر شرعی شد.

«نظراً إلى قوله صلى الله عليه وسلم عليكم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدين المهديين»

بعد شارح سنن ترمذی می گوید:

«قلت ليس المراد بسنة الخلفاء الراشدين إلا طريقتهم الموافقة لطريقته صلى الله عليه وسلم»

پیغمبر اکرم فرمود:

«عليكم بسنتي الخلفاء الراشدين من بعدي»

هر سنت آن ها را نمی گیرد بلکه آن سنتی از آن ها که موافق با روش پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم است اگر چنانچه یک سنتی از خلفای راشدین بیاید مخالف طریقه ای پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم بیاید قطعاً این روایت شامل او نمی شود.

بعد از جناب ملا علی قاری در کتاب المرقات نقل می کند می گوید:

«فعلیکم بسنتي أي بطريقتي الثابتة عني واجبا أو مندوبا وسنة الخلفاء الراشدين فإنهم لم يعملوا إلا بسنتي»

پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم فرمود:

روش و سنت من را که واجب و یا مستحب است آن را بگیری و سنت خلفای راشدین را هم بگیری چون آن‌ها به هیچ وجهی مخالف سنت من عمل نمی‌کنند.

«فإنهم لم يعملوا إلا بسنتي فالإضافة إليهم»

...این که می‌گوییم وسنة الخلفاء، کلمه سنت به راشدین اضافه شده است

«إما لعملهم بها»

یا به خاطر این که راشدین عمل به طریقه و سنت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم می‌کنند از این باب سنت خلفای راشدین شده است

«أو لاستنباطهم واختيارهم إياها»

یا این که از طریقه‌ای پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم چیزی را استنباط می‌کنند و او را انتخاب می‌کنند.

نتیجه این که:

«عليكم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدين من بعدى»

به شرط این که این‌ها از طریقه و روش من پیغمبر تبعیت کنند، اگر بخواهند غیر از روش من عمل کنند این سنتی مشروع نیست.

ولی یک اشکالی که در حرف جناب قاری است این است که می‌گوید:

« فالإضافة إليهم إما لعملهم »

این که سنت به خلفای راشدین اضافه شده است به خاطر عمل این‌ها است.

خب اگر بنا باشد هر کس به سنت پیغمبر صلی الله علیه و واله وسلم عمل کند و سنت به او اضافه شود مشروعیت پیدا کند و نماد در جامعه داشته باشد، صحابه‌ای دیگر هم هستند این‌ها هم به سنت پیغمبر صلی الله علیه و واله وسلم عمل می‌کردند

«علیکم بسنتی و سنة الصحابة الذين یأتون بعدی»

دیگر نیاز به سنة الخلفاء الراشدين بعدی را نمی‌گفتند و اضافه بر این که بعضی از اقایان دارند که کلمه راشد در زمان نبی مکرم اصلا مصطلح نبود، واژه‌ای راشدین و خلفای راشدین اصلا این اصطلاح بعد از معاویه وارد فرهنگ اسلامی شده است.

خیلی واضح و روشن است که این واژه ساخته و پرداخته دودمان بنی امیه است البته این‌ها روایاتی را که نقل شده در بعضی از کتاب‌هایشان مثلا در مسند احمد این را آورده‌اند.

عرض کردیم بر این که حدیث و سنت پیغمبر صلی الله علیه و واله وسلم در میان اهل سنت تا قبل از سال ۱۵۰ نوشته نشده بود یعنی بعد از رحلت نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و واله وسلم تا سال ۱۵۰ هجری هرگونه نوشتار حدیث و سنت پیغمبر صلی الله علیه و واله وسلم ممنوع و قدغن بوده است.

گرچه عمر ابن عبدالعزیز متوفای ۹۷-۹۸ دستور نوشتن و تدوین سنت را داد ولی کسی به حرف او توجه نکرد، حتی محمد شهاب زهری متوفای ۱۲۴ هجری هم موفق نشد.

معمولا کسانی که تقریبا متوفای سال ۱۵۰ و یا ۱۸۰ هجری هستند این‌ها سنت را نوشتند و این را مفصل قبلا بحث کردیم.

آنچه که در این جا مطرح است این روایات همه بعد از یک قرن و نیم نوشته شده است جناب احمد ابن حنبل و دیگران هم وقتی که آمده‌اند صد سال بعد از آغاز تدوین سنت بوده است حدود دویست و سی و چهل سال بعد از رحلت پیغمبر صلی الله علیه و اله وسلم بوده است.

آقای احمد ابن حنبل متوفای ۲۴۱ هجری است، بخاری و مسلم متوفای ۲۵۶ و ۲۶۱ هجری هستند یا ابن ماجه متوفای ۲۷۵ به بعد است یعنی کل این کتاب‌های که این روایات را نقل کرده‌اند تقریباً دو قرن و دو قرن و نیم بعد از رحلت پیغمبر صلی الله علیه و اله وسلم این روایات در کتاب‌هایشان آمده است.

ما از این آقایان سوال می‌کنیم در این ۱۵۰ سال این روایات کجا بوده است؟ نقل روایات که ممنوع بود، نوشتن روایات ممنوع بوده است، صحابه هم که همه از دنیا رفته‌اند.

آخرین صحابی تقریباً ۱۰۱ ابو طفیل از دنیا رفت البته آن به خاطر این که یک مقداری روحیه ولایی دارد ایشان را آقایان تضعیف می‌کنند می‌گویند آدم درستی نبوده است.

صحابه که از دنیا رفته، تابعین هم چیزی از صحابه نشنیده‌اند؛ پس این روایات از کجا آمده است؟ این را اول برای ما روشن کنید.

نکته دوم آقایان آورده‌اند تعابیری که آمده است در آن تعابیر صدر و ذیل روایات کاملاً باهمدیگر تنافی دارند.

در روایتی که مسند احمد در جلد چهارم صفحه ۱۲۶ آورده است پیغمبر صلی الله علیه و اله وسلم موعظه کرد، موعظه‌ای خیلی خوبی و همه گریه کردند حضرت فرمود بعد از من امت دچار اختلاف می‌شوند

« فَعَلَيْكُمْ بَسْتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ وَعَصُوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِدِ »

مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۴، ص ۱۲۶، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني الوفاة: ۲۴۱ ، دار

النشر : مؤسسة قرطبة - مصر

خیلی با چنگ و دندان سنت من و سنت خلفای راشدین را بگیرید

«وَأَيَّاكُمْ وَمُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ»

از بدعت‌ها بپرهیزید

«فَانْ كُلَّ مُحَدَّثَةٍ بِدْعَةٍ وَاِنْ كُلَّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ»

هر بدعتی ضلالت است و هر چیزی جدیدی که اضافه شود بدعت است

اگر چنانچه پیغمبر صلی الله علیه و اله وسلم نفرموده است خلفای راشدین می‌خواهند خودشان چیزی را

بیفزایند آیا

«كُلَّ مُحَدَّثَةٍ بِدْعَةٍ»

را می‌گیرد و یا نمی‌گیرد؟

یعنی ما بگوییم:

«كلما زيد في الشريعة بدعة إلا ما زاده الخلفاء الراشدون»

آن وقت دیگر

«كُلَّ مُحَدَّثَةٍ بِدْعَةٍ»

معنی پیدا نمی‌کند.

شارع مقدس آمده یک حکم کلی را امروز گفته یک سال بعد استثنای آن آمده این کسانی که در این یک سال

به این کلی عمل کرده‌اند و به همان موارد استثناء شده‌ها عمل کردند حکم این‌ها چیست؟

آیا جزء شریعت است یا جزء شریعت نیست؟ آن‌های که استثناء نشده بوده آن مواردی که استثناء نشده بوده است عمل کرده‌اند یا شما باید بگویید این استثناء در حکم نسخ است آن وقت نسخ بعض از کل یک مشکلات دیگری برای خودش دارد.

نسخ بعض از کل خودش مشکلات ویژه‌ای خودش را دارد که در باب نسخ و شرایط نسخ می‌رود و این که تعلق نسخ چگونه باشد.

در هر صورت... در این روایتی که می‌گوید:

«وَأَيَّاكُمْ وَمُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ»

از طرفی هم می‌گوید:

«وسنة الخلفاء الراشدين من بعدى»

این جا واژه‌ای **إِلَّا** به کار نرفته است، کلمه‌ای غیر هم به کار نرفته است و اگر چنانچه این استثناء است یعنی:

«كُلِّ مُحَدَّثَةٍ بِدْعَةٍ»

یا: **كل محدثات الامور بدعة وضلالة**، اگر بنا است استثناء شده باشد واژه **إِلَّا** ما **احدثه الخلفاء الراشدون** باید باشد، خلاصه صدر و ذیل روایت باهمدیگر همخوانی ندارد.

جالب این است که ابن تیمیه حرانی در کتب و رسائل و فتاوی ابن تیمیه در فقه در چندین جا، در تفسیر هم در چندین جا من دیدم ایشان می‌آورد:

«عليكم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدين المهديين من بعدى تمسكوا بها وعضوا عليها بالنواجذ واياكم ومحدثات الامور فان كل بدعة ضلالة»

کتاب و رسائل و فتاویٰ شیخ الإسلام ابن تیمیة ، ج ۲۱ ، ص ۳۱۹ ، اسم المؤلف: أحمد عبد الحليم بن تیمیة
الحراني أبو العباس الوفاة: ۷۲۸ ، دار النشر: مكتبة ابن تیمیة ، الطبعة: الثانية ، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد

بن قاسم العاصمي النجدي

این سخن ابن تیمیه است آقایان دقت کنند بعد ایشان می‌گوید:

«فما سنه الخلفاء الراشدون ليس بدعة شرعية ينهى عنها»

مشخص است بر این که بدعت است در این که این بدعت است ابن تیمیه قبول کرده است ولی بدعت شرعی‌ای
منهی عنها نیست.

«وإن كان يسمى في اللغة بدعة»

اگر چه این کاری را که خلفای راشدین انجام دادند در لغت به آن‌ها بدعت گفته می‌شود

«لكونه ابتدئ»

چون بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم این‌ها اضافه شده است

«كما قال عمر نعمت البدعة هذه»

نسبت به نماز تراویح هم گفت چه بدعت خوبی است؛ پس شاهد شاهد من اهلها آقای ابن تیمیه هم می‌گوید

«فما سنه الخلفاء بدعة ولكن هذه البدعة، بدعة اللغوية لا بدعة شرعية ينهى عنها»

خب ما از آقای ابن تیمیه سوال می‌کنیم اگر در یک مواردی شارع مقدس لفظی را استعمال کرد و قرینه‌ای بر

خلاف اراده معنای لغوی نداشت ما موظف هستیم این را بر چه حمل کنیم؟

نه این است که شارع مقدس تمام سخنانش با عموم مردم است و آنچه را که در میان جامعه مصطلح است همان معانی لغوی که در حقیقت معنای اصطلاحی هم گشته است.

در آن وقتی که پیغمبر صلی الله علیه و اله وسلم این سخن را می‌گفته است اگر از مردم سوال می‌کردند **ایها الناس ماهی البدعة؟** مردم چه می‌گفتند؟ می‌گفتند **ما احدث فی الامر؛** پس پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله وسلم طبق فهم عموم مسلمان‌ها این سخن را گفته است.

عموم مسلمان‌ها هم در آن زمان فرقی بین بدعت لغوی و بدعت شرعی نمی‌گذاشتند اگر شارع مقدس نظرش این بود که مراد از این بدعت لغوی است ولی بدعت شرعی نیست و بر خلاف آنچه که عموم مردم می‌فهمند لابد بود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله وسلم این‌جا یک قرینه‌ای بیاورد.

ایها الناس فی المحدثات بدعة غیر منہیة عنها، هذه المحدثات مثلا کذا و کذا و حال آن‌که نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و اله وسلم در کلام خودشان چیزی اضافه نکردند.

قرینه و شاهی بر این‌که بیاید یک معنای لغوی را حضرت تغییر داده باشد ما در کلام پیغمبر صلی الله علیه و اله وسلم نمی‌بینیم.

آقایان کتاب کتب و رسائل و فتاوی ابن تیمیه را که در ۲۷ - ۲۸ جلد چاپ شده است جلد ۲۱ صفحه ۳۱۹ را ببینند این روایت آمده است در این روایت ما چند تا مشکل اساسی داریم.

این موضوع ممکن است یکی دو جلسه طول بکشد ولی ما خیلی جاها نیاز به این داریم یعنی در کل بدعت‌های که توسط ابوبکر و توسط آقای عمر و جناب عثمان صورت گرفته است یا توسط بعضی از صحابه مطالبی را آورده‌اند ما وقتی که این‌جا را دست می‌گذاریم این‌ها دو تا روایت را عَلَم می‌کنند

یکی این‌که پیغمبر صلی الله علیه و اله وسلم فرمود:

«أصحابي كالنجوم بأيهم اقتديتم اهتديتم»

منتخب الكلام في تفسير الأحلام ، ج ١، ص ٦١٩، اسم المؤلف: ابن سيرين الوفاة: ١١٠ ، دار النشر : دار الفكر -

بيروت

دیگری هم حدیث:

« عليكم بسنتي الخلفاء الراشدين من بعدي»

من چند موردی را گلچین کردم عزیزان این را خوب دقت کنند، خب پیغمبر اکرم صلی الله علیه واله وسلم فرمود:

« عليكم بسنتي الخلفاء الراشدين من بعدي»

سنت ابوبکر شریعت، سنت عمر شریعت، سنت عثمان شریعت و سنت علی هم شریعت، حالا با سنت علی علیه السلام ما کار نداریم این که چه بحث‌های است علی علیه السلام جزء خلفای راشدین نیست، جزء صحابه هم نیست و جزء اول من اسلم هم نیست باید بالای منابر سب و لعن بشود!!

ان شاء الله فردای قیامت محکمه‌ای زیبا و تماشایی خواهیم دید آن جا است که:

«خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ»

من لا يحضره الفقيه ؛ ج ٤ ؛ ص ٣٧، ابن بابويه، محمد بن علی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه

مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ: دوم، ١٤١٣ ق.

همان طوری که صدیقه‌ای طاهره در خطبه‌شان قرائت کردند.

در هر صورت... یکی از بحث‌های اساسی که است ما باید روی حدیث:

« علیکم بسنتی الخلفاء الراشدين من بعدی »

تکیه بکنیم اختلافات شدیدی میان سیره ابوبکر و سیره عمر است خیلی از موارد اختلافی است باهمدیگر همخوانی نداشتند اختلاف شدید داشتند که من فهرست آن را عرض می‌کنم بعد تفصیلش را در جلسه بعد می‌آورم.

در رابطه با این که اگر مسلمانی در برابر حکومت قیام بکند آیا زنانشان اسیر می‌شوند، اموالشان جزء غنائم جنگی است یا نه؟

اصحاب رده، نود و هشت و نود نه درصد مسلمان‌ها بودند و خود مالک ابن نویره نماینده و وکیل پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم در قبیله اش بوده است بعد از کشتن زنانشان را اسیر کردند.

عمر وقتی که به خلافت رسید تمام اسرا را آزاد کرد.

پرسش:

زنان این‌ها اسیر بودند؟

پاسخ:

بله، این‌ها اسیر و زندانی بودند بعد از ابوبکر که عمر روی کار آمد همان روز اول تمام اسرا را ایشان آزاد کرد منابع این را هم عرض می‌کنیم، بعد در رابطه با قضیه خالد عمر گفت خالد مستحق اعدام و مستحق سنگسار است.

از ابوبکر درخواست کرد گفت باید خالد سنگسار شود، ابوبکر گفت سنگسار نمی‌کنم، خب اگر کسی همچنین کاری کرد در شریعت حکمش چیست؟ آیا سنگسار کردن است یا نه جایزه دادن دادن به همچنین شخصی است؟

عمر گفت حداقل این را عزل کن، گفت من عزل نمی‌کنم به مجرد این که عمر به خلافت رسید اول کاری که کرد خالد را از تمام مسؤولیت‌هایش عزل کرد و موارد متعدد دیگری ما داریم مثلاً:

«متعتان محللتان فی زمن رسول الله وأنا احرمهما»

متعة النساء و متعة الحج را آقای ابوبکر مشروع می‌گوید و آقای عمر غیر مشروع می‌گوید، ما چه کار کنیم؟

پیغمبر صلی الله علیه و اله وسلم فرمود:

« علیکم بسنتي الخلفاء الراشدين من بعدي »

آیا به سنت ابوبکر عمل کنیم و یا به سنت عمر عمل کنیم؟ از این موارد تناقضاتی که آقایان با سندهای معتبر نقل کردند زیاد است ان شاء الله در جلسه بعد در خدمت عزیزان هستیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته